مساله آرمان فلسطین نشان داد با بازکردن گارد رسانه حول منافع ملی می‌توان مرجعیت نسبی را احیا کرد

در راه نجات آنتن

زهرا طیبی
خبرنگار گروه نقد روز

اگر از هفت اکتبر تا امروز اتفاقات این چند وقت را رصد کنیم و چرخی در اتفاقات داخلی و جهانی بزنیم، می‌شود گفت موضوع فلسطین و محکوم کردن اتفاقات رخ داده در این روزها به شهرهای مختلف اروپا نیز رسیده است. در جامعه ایرانی نیز این روزها علی‌رغم همه اختلاف نظرها تکثرات سیاسی مختلف ایرانی از آرمانی واحد به نام فلسطین دفاع می‌کنند. مجموعه این نظرات و ایده‌های مختلف را می‌توان در برنامه‌ای که این شب‌ها از شبکه افق پخش می‌شود را خیلی جدی‌تر مورد توجه قرار داد و نکته جالب توجه ماجرا اینجاست که علی‌رغم وجود اختلاف نظرها میان میهمانان به افق فلسطین برنامه‌ای تبدیل شده که روی فصل مشترک این شخصیت‌ها یعنی آرمان فلسطین تاکید دارد.

حالا افکار عمومی فضای جهان را علیه رژیم صهیونیستی متحد می‌کند

فلسطین دیگر مساله جهان عرب نیست، تنها محدود به جهان اسلام هم نمی‌شود. حالا فلسطینی‌های ساکن در نوار غزه، انسان‌هایی هستند که دلیل روشنی برای کشته شدن یا بمباران مناطق مسکونی آنها داده نمی‌شود و این سوال بزرگ همچنان برای افکار عمومی جهان بی‌پاسخ باقی مانده که این کشتار گسترده به چه علت در حال وقوع است. می‌شود گفت فلسطین حالا مساله «جهان» است و در همین چهارچوب، واکنش افکار عمومی دنیا را به همراه داشته است. حالا افکار عمومی و واقعیت آنچه در رسانه‌ها منتشر می‌شود، فضا را به نحوی رهبری می‌کنند که وقتی سخنرانی نماینده رژیم صهیونیستی در مجمع عمومی سازمان ملل تمام می‌شود، حضار با سکوت از کنار صحبت‌های او می‌گذرند. آنچه در این میان بیشتر مورد توجه رسانه‌ها قرار گرفت، کنار هم قرار دادن این واکنش در مقایسه با واکنش حضار به صحبت‌های نماینده فلسطین بود. می‌شود گفت حالا برخلاف آنچه دولت‌ها انجام می‌دهند و درگیر محافظه‌کاری‌ها و هزینه فایده‌های سیاسی هستند، اما مردم در نقاط مختلف جهان یک نقطه مشترک در این اتفاق پیدا کردند و آن محکومیت کشتار غیرانسانی در فلسطین است.

فلسطین؛ مساله جهان امروز

پایین کشیدن پرچم رژیم صهیونیستی در میان تشویق معترضان در رم، عروسک‌هایی که کودکان لندنی برای حمایت از کودکان غزه مقابل وزارت خارجه انگلیس قرار دادند، تجمع دانشجویان آمریکایی در دانشگاه هاروارد، بخشی از واکنش‌ها به اتفاقات رخ داده در غزه در کشورهای اروپایی و آمریکایی است. این البته همه آنچه در غرب در واکنش به این اتفاقات رخ می‌داد، نبود. برگزاری تجمع‌ها در دانشگاه‌های آمریکایی مثل هاروارد نشان می‌داد جامعه نخبگانی آمریکا نیز نسبت به این اتفاق خنثی نبودند. این را می‌توان در نظرسنجی‌های منتشر شده رسانه‌های آمریکایی نیز دید. بر مبنای نظرسنجی‌ای که سی‌ان‌ان منتشر کرده تنها ۲۷ درصد جوانان آمریکایی از حملات صهیونیست‌ها حمایت می‌کنند، امری که منجر به واکنش تند «بیل ماهر»، کارشناس نزدیک به صهیونیست‌ها شد و گفت: «به دانشگاه نروید چون احمق می‌شوید!» اگر از قشر نخبگانی موجود غرب عبور کنیم این واکنش‌ها را حتی می‌توان میان یهودیان ساکن در نیویورک هم دید. آنها در جدیدترین اعتراضات‌شان به دنبال فراخوانی که منتشر کرده بودند، در ترمینال گرند سنترال نیویورک تجمع کردند. آنها پیش از این هم در کنگره آمریکا دست به اعتراض زده بودند. متروهای لندن نیز به محل دیگری برای اعتراض علیه صهیونیست‌ها تبدیل شده بود، تجمعی که البته منجر به تعلیق راهور مترو به خاطر همراهی با مردم در قطار شده بود. حمایت از فلسطین حتی به رسانه‌های آمریکایی و انگلیسی نیز رسید. بعد از انتشار یک فراخوان برای حمایت از آتش‌بس در غزه، در مجله ARTFORUM که در بخشی از آن آمده بود: «ما از آزادی فلسطین حمایت می‌کنیم و خواستار پایان دادن به کشتار و صدمه زدن به همه غیرنظامیان، آتش‌بس فوری، ارسال کمک‌های بشردوستانه به غزه و پایان دادن به همدستی دولت‌هایمان در نقض شدید حقوق بشر و جنایت جنگی هستیم.» دیوید ولاسکو سردبیر ارشد این مجله برکنار شد. برکناری شش خبرنگار بی‌بی‌سی به خاطر لایک کردن پست‌هایی در حمایت از غزه نیز اتفاق دیگری بود که این چند وقت در رسانه‌های غربی اتفاق افتاد. نگاهی به این مواضع در اروپا نشان می‌داد موضوع فلسطین این بار نه در جهان اسلام، بلکه در اروپا و آمریکا به فصل مشترکی میان مردم و قشرهای مختلف آن تبدیل شده که این ماجرا را از بعدی انسانی مورد توجه قرار می‌دهند؛ آن هم در شرایطی که دولت‌های اروپایی و ایالات متحده صریحا از مواضع و اقدامات صهیونیست‌ها حمایت می‌کنند.

باخت در باخت اپوزیسیون در ماجرای فلسطین

این روزها و همزمان با واکنش‌های افکار عمومی در جهان حتی تا آنجا ادامه پیدا می‌کند که واکنش خبرنگاران به این اتفاقات منجر به اخراج و قطع همکاری با آنها می‌شود. آنچه در میان رسانه‌های اپوزیسیون و چهره‌های برانداز خارج‌نشین می‌گذرد جالب توجه است. حمایت صریح از موضع و واکنش صهیونیست‌ها در نوار غزه و معرفی کردن حماس به عنوان یک گروه تروریستی به کارویژه این رسانه‌ها تبدیل شد؛ امری که البته چندان تعجب‌برانگیز نبود؛ چراکه پیش از این جلسه نمایندگان این رسانه‌ها با وزیر اطلاعات رژیم صهیونیستی و مصاحبه اختصاصی اینترنشنال با نتانیاهو این موضوع را مشخص کرده بود که صهیونیست‌ها کارفرمای جدید این رسانه‌ها هستند و حالا در زمان بحران وقت دفاع از مواضع کارفرماست. این را می‌توان از بخشی از ماجرا دانست، تحلیل‌هایی که در این میان در این رسانه‌ها مطرح می‌شود نشان می‌دهد نسخه‌ای که این رسانه‌ها برای این اتفاقات پیچیده‌اند استفاده از همان روش ایجاد شکاف در میان گروه حماس و مردم غزه است، امری که تلاش می‌کند همان نسخه ایجاد شکاف میان مردم و حکومت ایران را در ماجرای فلسطین پیاده کند و در سمت دیگر این گزاره را مطرح می‌کند که چون مردم غزه از گروهی که آنها آن را تروریستی می‌خوانند اعلام برائت نمی‌کنند پس با آنها هم‌راستا هستند و این مقابله با آنها را توجیه‌پذیر می‌کند. موضع‌گیری این رسانه‌ها و به‌ویژه اینترنشنال در شرایطی که افکار عمومی دنیا نیز نسبت به این اتفاق موضعی علیه رژیم صهیونیستی گرفته‌اند نشان می‌دهد آنها تمرکز خود را بر تغییر افکار عمومی در ایران نسبت به این اتفاقات متمرکز کردند. امری که البته در میان اخبار تحولات، فیلم‌ها و تصاویر موجود از جنایات غزه گم می‌شود و مورد توجه قرار نمی‌گیرد. فارغ از رسانه‌های فارسی‌زبان، براندازهای خارج‌نشین نیز در اتفاقات رخ‌داده در غزه در کنار صهیونیست‌ها ایستادند. سلطنت‌طلب‌ها را شاید بتوان جدی‌ترین مدافع صهیونیست‌ها در میان اپوزیسیون دانست. حمایت پهلوی‌ها از صهیونیست‌ها البته محدود به این روزها نبوده است اما این روزها خیلی خود را پررنگ‌تر از سابق نشان داده است. حمایت رضا پهلوی از صهیونیست‌ها همزمان با آغاز عملیات طوفان الاقصی و همراهی عبدالله مهتدی، دبیرکل حزب کومله از صهیونیست‌ها نشان داد آنها در این ماجرا در کجای قصه ایستاده‌اند. در آخرین نمونه در حالی‌که در شهرهای مختلف اروپا و ایالات متحده آمریکا تجمع‌هایی علیه صهیونیست‌ها در حال برگزاری است سلطنت‌طلب‌ها در حمایت از صهیونیست‌ها در بروکسل تجمع برگزار کردند. این تجمع البته با حضور نزدیک ۲۰ نفر و همسر رضا پهلوی برگزار شد اما به نظر نمی‌رسد به منظور کنش رسانه‌ای براندازها در حمایت از صهیونیست‌ها برگزار شده باشد؛ چراکه در میان اخبار اعتراض مردم در لندن، نیویورک، مادرید و سوئد، این تجمع حتی در میان رسانه‌های فارسی‌زبان نیز چندان مورد توجه قرار نمی‌گرفت. آنچه این بار برای سلطنت‌طلب‌ها و براندازها مهم بود، نه راضی کردن افکار عمومی نسبت به آنچه انجام می‌دهند که راضی کردن کارفرما برای دریافت بودجه بیشتر بود، امری که منجر به این شد که براندازها بعد از ضربه‌ای که در اتفاقات پاییز سال گذشته خوردند و عملا در جنگ افکار عمومی شکست خوردند، موضع‌گیری‌های آنها در اتفاقات غزه نیز ضربه کاری دیگری به اعتبار و وجهه کمرنگ شده این رسانه‌ها و افراد وارد کرد.

اتحاد روی کلان ایده‌ای به نام فلسطین

اگر دوربین رصد اتفاقات را از تجمعات در اروپا و آمریکا و تجمع بروکسل سلطنت‌طلب‌ها به داخل ایران بیاوریم، لازم است درباره آنچه رخ می‌دهد تحلیل دقیقی ارائه کنیم. شاید در روزهای ابتدایی آغاز عملیات طوفان الاقصی تلاش می‌شد این گزاره مورد تاکید قرار گیرد که در ماجرای فلسطین و موضع‌گیری‌هایی که از جانب سیستم حکمرانی درباره فلسطین گرفته می‌شود، اتفاق نظر وجود ندارد و برخی موافق این تصمیم‌گیری نیستند. اما واقعیت آنچه از جانب شخصیت‌های سیاسی مطرح شد، نشان می‌داد این تحلیل چندان دقیق و درست نبوده است. همزمان با آغاز عملیات طوفان الاقصی و درحالی‌که رسانه‌های صهیونیستی تلاش می‌کردند برمبنای شکست غافلگیرانه‌ای که در این عملیات خوردند، مظلوم‌نمایی کنند تا افکار عمومی جهان حماس را محکوم کنند اما این عملیات از جانب طیف‌های مختلف سیاسی در ایران مورد تحسین و تایید قرار گرفت. این امر چه از جانب طیف‌های سیاسی تندِ موسوم به جناح اصلاح‌طلب، چه از جانب طیف‌های مختلف جبهه اصولگرایی، مورد توجه قرار گرفت. نکته جالب توجه این بود که شخصیت‌هایی که شاید پیش از ماجرای غزه در اصول تصمیم‌گیری و سیاستگذاری در حکمرانی با یکدیگر اختلافات مبنایی داشتند و بخشی از آن اختلافات، خود را در جریان انتخابات و دعوای قدرت نشان می‌داد اما این بار در آرمانی به نام فلسطین، موضعی تقریبا یکسان گرفتند. نقطه اشتراک آنها محکومیت اقدامات صهیونیست‌ها و حمایت از مردم فلسطین بود و این تقریبا کلان ایده‌ای بود که از جانب این چهره‌های سیاسی مطرح می‌شد.

به افق فلسطین

در شرایطی که رسانه‌های فارسی‌زبان صهیونیست به دنبال ایجاد شکاف در داخل ایران در ماجرای فلسطین بودند، برنامه‌ای روی آنتن تلویزیون رفت که کارویژه خود را روی این موضوع متمرکز کرده بود که همه افراد، شخصیت‌ها و سلایق سیاسی حول یک موضوع مشترک، صحبت و نظرات خود را مطرح کنند. شخصیت‌هایی که شاید پیش از این در قاب تلویزیون حضور پیدا نکرده بودند. می‌شود گفت فلسطین و آنچه در سرزمین‌های اشغالی در حال وقوع است حالا از جانب شخصیت‌ها و افراد مختلف و از زاویه نگاه‌های متفاوت مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرد و مخاطب با مجموعه‌ای از نگاه‌ها و دیدگاه‌های مختلف مواجه است که یک فصل مشترک در آن دیده می‌شود و آن محکومیت اقدامات صهیونیست‌ها و دفاع از فلسطین و آرمان فلسطین است.

تحلیلی همه‌جانبه از ماجرای فلسطین

محمد قوچانی، سردبیر مجله آگاهی نو و عضو حزب کارگزاران سازندگی، یکی از اولین میهمان‌های «به افق فلسطین» بود. قوچانی درباره اینکه راه‌حل درست در ماجرای فلسطین چیست، می‌گوید: «راه‌حل همان چیزی است که رهبری در مهر ۹۷ گفتند. ما که نمی‌گوییم مثل جمال عبدالناصر، یهودی‌ها را در دریا بریزیم. می‌گوییم یک رفراندوم برگزار شود و آن رفراندوم برمبنای حق رای تمام ساکنان فلسطین باشد.»

عباس عراقچی، معاون سابق وزارت خارجه دولت روحانی در تحلیل نقش‌آفرینی آمریکا در ماجرای حملات صهیونیست‌ها می‌گوید: «آمریکا و صهیونیست‌ها در اعمال سیاست‌های خود و منطقه مثل یک دولت واحد عمل می‌کنند. آمریکایی‌ها شریک همه جنایت‌های رژیم صهیونیستی هستند.» یوسفعلی میرشکاک، شاعر نیز ماجرای یهودیت و صهیونیست را از منظر تفاوت دین و ایدئولوژی بررسی می‌کند و می‌گوید: «صهیونیسم دین را به بدترین نوع ایدئولوژی، یک ایدئولوژی نژادی تبدیل کرده است. فکر نمی‌کنم حتی یعقوب نبی، یوسف عمران و بنی‌اسرائیل هم با چنین پدیده‌ای موافق باشند. وقتی اینها این‌طور حساب می‌کنند که همه انسان‌ها برده بنی‌اسرائیلند یا خدا دیگران را به خاطر آنها آفریده بر همین مبنا به خودشان حق می‌دهند به هیچ احدی رحم نکنند و فقط بکشند.» سعید لیلاز، کارشناس اقتصادی و فعال اصلاح‌طلب نیز دیگر میهمان حاضر در این برنامه بود که در پاسخ به این سوال که درآمدهای اسرائیل از کجا تامین می‌شود، می‌گوید: «اینها صنعت دارند، توریسم دارند، کشاورزی دارند، اما اینکه بتوانند یک اقتصاد پویا را در این منطقه به شکل یک دولت نظامی و شبه‌جنگی نگه دارند، اتفاق نیفتاده است. همین الان هم دیده می‌شود که کمک‌های تجهیزاتی آمریکا در هفته‌های اخیر نتیجه‌ای به همراه نداشته است.» علی لاریجانی نیز از حمایت ایران از غزه می‌گوید و توضیح می‌دهد: «در فضای غرب و رسانه‌ای این موضوع را مطرح می‌کنند که ایران از این قضیه حمایت کرده است، ما حمایت ایران را پنهان نمی‌کنیم اما این مشکل مربوط به حمایت ما نیست. در زمان شاه که طرفدار اسرائیل بود هم چند جنگ علیه اسرائیل اتفاق افتاد. پس این ماجرا مربوط به ایران امروز نیست. این بحران درونی این رژیم است.» پرویز امینی، جامعه‌شناس در تحلیل فضای رسانه‌ای علیه صهیونیست‌ها می‌گوید: «وقتی نظام ارتباطی متکثر می‌شود، آن وقت بایکوت و تحریف در حد زیادی ناممکن می‌شود و راه برای ارتباط واقعی‌تر با افکار عمومی برقرار می‌شود. در همین ماجرایی که گفتند حماس ۴۰ کودک اسرائیل را سر بریدند، انکار آن از جانب رسانه‌های غربی اتفاق افتاد و در گذشته این اتفاق رخ نمی‌داد یا در ماجرای بیمارستان المعمدانی، اسرائیل این دعوی را مطرح کرد که انحراف راکت‌های حماس بوده است ولی در همان رسانه‌های غربی آدم‌هایی پیدا شدند که خلاف آن را مطرح کردند و در رسانه‌های غربی این موضوع نگرفت. این چیزی است که در وقایع اخیر رخ داده و افکار عمومی ضداسرائیل شده است.»

فصل مشترکی به نام فلسطین

حضور شخصیت‌های سیاسی با سلایق و دیدگاه‌ها و نظرات مختلف در برنامه به افق فلسطین مجموعه‌ای از نظرات و دیدگاه‌های مختلف را در یک برنامه گردهم آورده که می‌توان آن را مجموعه‌ای از تکثرات سیاسی جامعه حول موضوع فلسطین در یک برنامه دانست. شخصیت‌هایی که شاید پیش از این در جزئی‌ترین موضوعات در شئون تصمیم‌گیری با یکدیگر اختلافات مبنایی داشتند و حتی نقدهایی نیز به صداوسیما وارد می‌کردند، حالا در یک موضوع مشترک به گفت‌وگو و تحلیل نظر می‌پردازند. یکی از وجه‌های جذابیت و دیده شدن برنامه به افق فلسطین را می‌توان حضور شخصیت‌های متفاوتی دانست که برمبنای ایده و تحلیل خود حول آرمان فلسطین، نظرات‌شان را مطرح و تحلیل می‌کنند. این امر علاوه بر اینکه منجر به همگرایی و همراستایی همه شخصیت‌های سیاسی، حول موضوع فلسطین می‌شود، برمبنای این تصویر می‌توان این‌طور تحلیل کرد که همه شخصیت‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ایران علی‌رغم اختلاف نظرهایی در حوزه‌های مختلف دارند در آرمانی به نام فلسطین در یک اتحاد نظری و مبنایی قرار دارند. اگر بخواهیم این تصویر را از بیرون ایران و در محیط بین‌المللی روایت کنیم می‌توان گفت در ساختار سیاسی ایران در ماجرای فلسطین اتفاق نظری واحد وجود دارد.

ملت‌های جهان همه صدای آزادی مردم غزه را فریاد می‌زنند
آیا این همصدایی، رژیم صهیونیستی را منزوی خواهد کرد؟

جنگ بعدی غزه باید جنگ حقوق علیه اسرائیل باشد

زینب مرزوقی
خبرنگار گروه نقد روز

تصاویر منتشرشده از راهپیمایی لندنی‌ها در حمایت از مردم غزه چنان عظیم و آخرالزمانی است که تحلیل این حمایت حتی برای تحلیلگران امور بین‌الملل هم سخت و پیچیده شده است. کاربران عرب فضای مجازی تصاویر راهپیمایی مردم لندن را در کنار تصاویر جشنواره‌هایی به اشتراک می‌گذارند که این شب‌ها در شهر ریاض عربستان درحال برگزاری است. با انتشار این تصاویر از لندن و ریاض؛ کاربران عرب به طعنه نوشته‌اند که ظاهرا پیش از قطع شدن اینترنت غزه، اینترنت عربستانی‌ها قطع شده که خبر از حال مردم غزه ندارند. از سویی دیگر یون بلارا، وزیر امور حقوق اجتماعی اسپانیا در واکنش به نسل‌کشی فلسطینیان در باریکه غزه در پیامی ویدئویی می‌گوید: «کشورهای اتحادیه اروپا باید فورا علیه اسرائیل چهار اقدام را انجام دهند: تعلیق روابط دیپلماتیک با اسرائیل، وضع قاطعانه تحریم‌های اقتصادی، تحریم تسلیحاتی، احضار نتانیاهو نخست‌وزیر اسرائیل و سایر حاکمان سیاسی به دادگاه جنایی بین‌المللی به‌علت بمباران غیرنظامیان در باریکه غزه.»

این روزها جهان همه علیه رژیم غاصب صهیونیستی یکصدا شده است و همه فریاد آزادی سرزمین‌های اشغالی و توقف جنگ علیه مردم غزه را فریاد می‌زنند. پرسشی که در این میان به‌وجود می‌آید این است که آیا این اقدامات و محکومیت‌ها باعث انزوای این رژیم در عرصه بین‌الملل خواهد شد؟

موضوعی که در جنگ هفت اکتبر اسرائیل و غزه پیش آمده، این است که اسرائیل کاملا به‌طور مشخص و بی‌پرده هم قوانین بین‌المللی و هم قوانین مرتبط با حقوق بشر را زیر پا گذاشت و هر نوع اقدام غیرانسانی که می‌توانست انجام دهد را هم انجام داد. «ثمانه اکوان» معتقد است مهم‌ترین موضوع این است که اکنون تمام دنیا، چه مردم و چه حکومت‌ها فهمیده‌اند که اسرائیل گرچه به‌عنوان یک کشور، توسط برخی کشورهای دنیا شناخته شده و عضو سازمان ملل است، اما در این جنگ چهره واقعی و وحشیگری خودش را به نمایش گذاشت. او می‌گوید: «اگر قرار باشد با این بازیگر بین‌الملل به‌صورت عادلانه برخورد شود، باید هم از سازمان‌های بین‌المللی بیرون انداخته شود و هم تحت تحریم قرار گیرد. همچنین کشورهای دنیا با اتحاد سعی کنند که رژیم صهیونیستی را در قبال اقداماتش پاسخگو کنند. این امر می‌تواند از طریق مراجعه به سازمان‌های بین‌الملل، دیوان بین‌المللی کیفری و دادگستری و شکایت از رژیم صهیونیستی به‌دلیل انجام این جنایات باشد. به‌جز این موارد، به‌دلیل اینکه مردم در اتفاقات اخیر از طریق وجود شبکه‌های اجتماعی آگاه شده‌اند، بی‌اعتمادی‌شان نسبت به رسانه‌های اصلی کشورهای غربی هم دیده شد.»

ریشه جنایات رژیم صهیونیستی

اکوان معتقد است پس از بی‌اعتمادی مردم جهان به رسانه‌های غربی در جنگ فعلی اسرائیل و فلسطین؛ ما شاهد چند اتفاق خواهیم بود. «اولین اتفاقی که می‌افتد، این است که رژیم صهیونیستی در دید مردم، یک رژیم منفور خواهد بود و رژیمی است که باید با آن مقابله شود. مساله بعدی این است که آیا کشورهای دیگر و رهبران کشورها، چنین کمپینی را علیه اسرائیل پیش خواهند برد؟ کمپین‌هایی که اسرائیل را مجبور به پاسخگویی کند. با توجه به حمایت آمریکا و کشورهای غربی و کشورهای اسلامی منطقه، به‌نظرم اقدامی برای تحریم اسرائیل صورت نخواهد گرفت. اما این مردم خواهند بود که کمپین‌هایی را علیه اسرائیل تشکیل خواهند داد و نتیجه آن تحریم رژیم صهیونیستی، شهرک‌نشینان و کالاهای اسرائیلی است.» اکوان تحلیل سومش را در قالب یک پرسش مطرح می‌کند. «آیا این تحریم‌ها باعث انزوای اسرائیل می‌شود؟» این تحلیلگر امور بین‌الملل و خاورمیانه می‌گوید: «این امر محکم و قطعی است. شما نمی‌توانید تصور کنید از این به بعد، رژیم صهیونیستی در جایگاه قبلی خود از لحاظ وجهه انسانی قرار دارد. پیش از این اتفاقات، آمریکایی‌ها و کشورهای غربی با کمک رسانه‌هایشان تلاش داشتند نشان دهند رژیم صهیونیستی، رژیمی است که همیشه مورد حملات پارتیزانی قرار می‌گیرد و باید از امنیت خودش دفاع کند. اما اکنون تصویر این‌گونه شده است که باید ریشه رفتارهای رژیم صهیونیستی را پیدا کنیم. ریشه عملیات امروز رژیم صهیونیستی از ۷۵ سال قبل شروع شده و آن مساله اشغالگری است. این مساله در هیچ‌یک از جنگ‌هایی که درگیرش می‌شد، مطرح نبود. اما اکنون کار به جایی رسیده که دبیرکل سازمان ملل متحد می‌گوید ریشه این اقدامات، اشغالگری اسرائیل است.»

تحریم رژیم صهیونیستی برای کشورهای اسلامی موضع ساده‌ای است

اکوان بر این باور است که از این به بعد، اسرائیل باید پاسخگوی سوالات زیادی باشد. او می‌گوید: «این پاسخگویی هم در معرض افکار عمومی و هم در معرض کشورهای مستقلی خواهد بود که در این خصوص دغدغه دارند. بسیاری از کشورهای اسلامی منطقه به‌جز تعدادی از کشورها که غیرت خاصی درباره مسائل جهان اسلام ندارند، به‌خصوص باقی کشورهای مستقل موضع‌شان نسبت به اسرائیل مشخص است. اگر کشورهای اسلامی، همکاری داشته باشند و تعارفات‌شان را با کشورهای غربی کنار بگذارند، تحریم اسرائیل موضع ساده‌ای برای کشورهای عرب منطقه خواهد بود. حتی برای کشورهایی که متوجه موضوع شده‌اند هم همین‌طور است. دولت‌هایی که نمی‌خواهند اکنون سرشان را زیر برف کنند و تماشاگر باشند. کشور اسپانیا و دولت اسپانیا و برخی از نمایندگان مجلسش هم در همین راستا قرار می‌گیرند. برخی از نمایندگان مجلس انگلستان و نمایندگان کنگره آمریکا هم از همین دسته‌اند. اتفاقا همین‌ها می‌توانند یک اطلاع‌رسانی محکم و قوی علیه رژیم صهیونیستی داشته باشند و سعی کنند سیاست‌ها را در دولت‌هایشان به‌نحوی تنظیم کنند که این رژیم پاسخگو باشد.» این تحلیلگر امور بین‌الملل می‌گوید در کشورهای غربی به‌دلیل حمایت‌های صددرصدی از رژیم صهیونیستی انتظار کمی می‌رود. انتظار اصلی از کشورهای مستقل و خصوصا کشورهای اسلامی است. «باید ببینیم که کشورهای اسلامی در زمینه تحریم اسرائیل قرار است چه کاری انجام دهند. عربستان هنوز که هنوز است، سعی می‌کند که راه وسط را پیش بگیرد. درست است که به‌صورت لفظی محکوم می‌کند، اما اقدامی درجهت تنبیه رژیم صهیونیستی انجام نمی‌دهد. حتی سعی می‌کند هم شرایط را با برگزاری کنسرت و جشنواره عادی جلوه دهد. انگار نه انگار که در جهان اسلام اتفاقی افتاده است و عربستان همچنان برگزاری جشنواره را ادامه می‌دهد اما کشورهایی هم هستند که تکلیف‌شان با این مساله از قبل مشخص است. مانند ایران، عراق، ترکیه، سوریه، یمن، لبنان، اندونزی و مالزی. این کشورهای اسلامی به هر شیوه‌ای، رژیم صهیونیستی را نمی‌پذیرند و از لحاظ پروپاگاندا و فشار آوردن به سایر کشورهای اسلامی برای رفتن به‌سمت اقدامات عملی لازم است که فعالیت‌هایشان بیشتر شود.»

شبکه‌های اجتماعی واکنش ندادن نسبت به جنایات رژیم صهیونیستی را سخت‌تر کردند

اکوان معتقد است مهم‌ترین امر اکنون این است که همه اقداماتی که رژیم صهیونیستی درحال انجامش است، به‌صورت گسترده در رسانه‌ها و فضای مجازی پخش شود که همه مردم دنیا بدانند واقعا چه خبر است؛ «اینکه در لندن اکنون راهپیمایی میلیونی شکل می‌گیرد و در فرانسه با وجود تمام تهدیدات، مردم این‌گونه بیرون می‌آیند، یا در ترکیه با وجود اینکه اردوغان هیچ واکنشی نشان دهد ولی الان خودش از مردم می‌خواهد که تظاهرات راه بیندازند، همه نشان می‌دهند که اتفاقا برخلاف جنگ‌های قبلی به‌دلیل اینکه پای شبکه‌های اجتماعی درمیان است و مردم به‌صورت مستقیم از اخبار و حوادث باخبرند، واکنش نشان ندادن کشورها علیه رژیم صهیونیستی سخت‌تر شده است. اکنون در آمریکا می‌گویند این موضوع ممکن است به یکی از موضوعات مهم در انتخابات ریاست‌جمهوری ۲۰۲۴ تبدیل شود. الان مسلمانان آمریکا میان گزینه بد و بدتر یعنی بایدن و ترامپ مانده‌اند که کدام را انتخاب کنند. مطمئنم که در انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا این مساله می‌تواند یک فاکتور و مساله تاثیرگذار باشد.»

دروغگویی دولت‌های غربی برای ملت‌هایشان نمایان شد

این تحلیلگر امور بین‌الملل همچنین در ادامه درباره اینکه آیا ملت‌ها، دولت‌هایشان را مجبور به قطع رابطه می‌کنند یا خیر، می‌گوید: «در کشورهای غربی این موضوع مطرح نیست؛ چراکه دولت‌ها دست به چنین کاری نمی‌زنند. به‌خاطر دارم در سال ۲۰۰۳ وقتی آمریکا می‌خواست به عراق حمله کند، یک راهپیمایی دو تا سه‌میلیونی در واشنگتن برگزار شد. جورج بوش اعلام کرد ما سیاست‌هایمان را کف خیابان تعیین نمی‌کنیم. دولت داریم و دولت تعیین می‌کند. قصدم این است که بگویم کشورهای غربی تا این حد به مساله بی‌توجه هستند. الان هم می‌بینیم که بایدن چه کاری انجام داده است. در ابتدا حمله به بیمارستان غزه را نپذیرفت و با نتانیاهو دست به یکی کرد که واقعیت را تحریف کنند. اما الان رسانه‌های غربی و رسانه‌های خودشان در بیان مساله توسط رهبران‌شان شک کرده‌اند. کانال ۴ انگلستان، حتی بی‌بی‌سی و نیویورک‌تایمز سوالاتی را مطرح کردند که نشان می‌دهد شواهد دروغگویی و پنهان کردن مدارک توسط نتانیاهو و بایدن مطرح است، بنابراین در کشورهای غربی این انتظار نمی‌رود اما حداقلش این است که دروغگویی، ریاکاری و فساد دولت‌های غربی برای مردم‌شان نمایان‌تر می‌شود و به‌سمتی می‌رود که اگر انتخابات در کشورها برگزار شود، این موضوع در انتخابات آن کشورها ظهور می‌کند و کار به جایی کشیده می‌شود که فردی را انتخاب می‌کنند که علنی و به این شکل از رژیم صهیونیستی حمایت نمی‌کند.»

باید کار به مجامع حقوقی بین‌المللی کشیده شود

بعد از اتمام جنگ، آمریکایی‌ها برای کار روی افکار عمومی‌شان برنامه رسانه‌ای دارند. این تحلیل اکوان، تحلیلگر امور بین‌الملل است. او ادامه می‌دهد: «ما نیز اتفاقا در این سمت ماجرا باید از طریق شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌ها مردم را آگاه نگه داریم. در کشورهای اسلامی کار مقداری متفاوت است؛ چراکه مردم به‌قدری سطح توقع‌شان در مساله فلسطین از دولت‌ها بالاست که مجبورشان می‌کنند سیاست‌ها تغییر پیدا کنند. گمان نمی‌رفت ترکیه در هفته اول تصمیم بگیرد با رژیم صهیونیستی قطع ارتباط کند یا دیپلمات‌ها اخراج شوند یا راهپیمایی وسیعی اتفاق بیفتد اما اکنون اردوغان مجبور شد مردم را به راهپیمایی دعوت کند. در عراق با وجود اینکه گروه‌های مقاومت پایگاه‌های عراقی را مورد هدف قرار می‌دادند و دولت عراق می‌گفت نباید این کار صورت بگیرد اما اکنون دیگر نمی‌توانند جلوی مردم را بگیرند. مطمئنا چه دولت‌های اسلامی و چه دولت‌های غیراسلامی در کل دنیا به‌سمتی می‌روند که مردم در انتخابات‌ها افرادی را که از رژیم صهیونیستی حمایت می‌کنند، به‌رسمیت نمی‌شناسند.»

حیات سیاسی نتانیاهو بعد از جنگ غزه تمام می‌شود

اکوان همچنین درباره این موضوع که پس از جنگ آیا رژیم صهیونیستی منزوی خواهد شد؟ معتقد است بستگی به این دارد که تا تمام شدن آتش جنگ، اسرائیل دست به چه اقداماتی خواهد زند. «زمانی که آتش جنگ بخوابد، در سرزمین‌های اشغالی سیستم سیاسی علیه نتانیاهو دادگاهی بزرگ برگزار می‌کند و احتمالا حیات سیاسی او به پایان می‌رسد، همچنین همه اتفاقات جنگ گردن نتانیاهو می‌افتد. کشورهای دیگری که بخواهند از اسرائیل حمایت کنند هم ممکن است همه این جنایات را گردن او بیندازند و بگویند ببین این داستان تمام شد و نتانیاهو عمر سیاسی‌اش به اتمام رسید. حالا باید به‌سمت رقم زدن یک اتفاق دیگر برویم. احتمالا آمریکایی‌ها به‌سمت راه‌حل دو دولتی می‌روند. در کشورهای دیگر هم تنها کاری که باید انجام شود و به نظر من ترکیه و ایران جلودار مساله هستند، این است که این قضیه تا به اینجا نباید به اتمام برسد. باید کار به مجامع حقوقی بین‌المللی کشیده شود و انواع و اقسام شکایت‌ها علیه رژیم صهیونیستی شکل بگیرد. نه با محوریت شخص نتانیاهو، بلکه با محوریت خود رژیم صهیونیستی. پس از آن باید مطالبه‌گر باشند که اشغالگری به‌پایان برسد، یعنی مساله بعدی پس از جنگ غزه، جنگ حقوقی است و اگر کشورهای اسلامی و تشکیلات خودگردان فلسطین این جنگ را ببرند، جنگ نظامی را هم برده‌اند. اگر هم بخواهند فراموش کنند، آب از آب تکان نمی‌خورد و احتمال به‌وقوع پیوستن چنین اتفاقاتی در نوار غزه و کرانه باختری وجود دارد.»